

تأثیر مداخله‌های روان‌شناختی مثبت بر خودپنداره‌ی دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری

شناخت و ایجاد توانایی‌ها می‌تواند بر بهبود خودپنداره، مؤثر باشد و به‌عنوان عاملی مداخله‌گر به‌شمار آید. روان‌شناسی مثبت بر این مدعاست که اگر شیوه‌ی پرورش توانایی‌ها، انعطاف‌پذیری و خوش‌بینی به افراد آموخته شود، آنان زندگی شادتر و پربارتری خواهند داشت، از این‌رو شالوده‌ی اصلی اغلب پژوهش‌ها و مطالعات اخیر، یا درباره‌ی ایجاد و پرورش توانایی‌هاست. هدف پژوهش حاضر سنجش تأثیرات مداخله‌های روان‌شناسی بر خودپنداره‌ی دانش‌آموزان می‌باشد. این مداخله بر پایه‌ی اصول روان‌شناسی مثبت و به‌منظور یاری‌رساندن به دانش‌آموزان در آموختن دو عامل روان‌شناسی مثبت و توانایی‌های شخصیتی طراحی شده است. شرکت‌کنندگان در این طرح، گروهی از کودکان ۱۰ تا ۱۵ سال کانا‌دایی بودند، و به‌این‌ترتیب ۲۶ دانش‌آموز که دچار ناتوانی یادگیری بودند به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش در یک دوره‌ی مداخله‌ی سه هفته‌ای در مورد روان‌شناسی مثبت شرکت کردند. به‌منظور شناسایی توانایی‌های فردی این افراد، از سیاهه‌ی (Park & Peterson, ۲۰۰۳) VIA استفاده شد، همچنین پیش از برنامه‌ی مداخله و پس از آن، پرسشنامه‌ی توصیف خود (SDQ-۱, Marsh, ۱۹۹۲) روی افراد اجرا شد. نتایج آزمون «تی» نشان داد که بین دو گروه آزمایش و کنترل از نظر آماری تفاوت معناداری وجود نداشت؛ با این حال مداخلات مذکور بر خودپنداره کودکان گروه مداخله در زمینه‌ی ریاضی، خواندن و خودپنداره کلی تحصیلی، تأثیر جزیی داشته است.